

# عدالت خواهی

## از نظر قرآن و نهج البلاغه

یدالله ملکی

### چکیده

بررسی موضوع عدالت خواهی و در بعد اجتماعی تحت عنوان عدالت اجتماعی یکی از آرمان های دیرینه آدمی ست و همه ی اندیشه ها و ادیان و حیانی و غیر و حیانی برای اجرای آن تلاش خود را معمول داشته اند و در پیش روی جامعه و حاکمان عدالت جو قرار داده اند. در این نوشتار ضمن ارائه ی رهنمودهای متعالی دین مبین اسلام با الهام از آیات نورانی قرآن و نهج البلاغه که در این زمینه آمده است نظریه چند تن از اندیشمندان اسلامی آورده شده است. و در نهایت ستون خیمه جامعه متعالی و پویا که هم تعالی اجتماعی و هم فردی در آن تجلی تام و تمام پیدا خواهد کرد، معرفی شده است.

### ۱- مقدمه

عدالت مفهومی اصیل در اندیشه سیاسی است که در طول تاریخ یکی از اساسی ترین آرزوهای انسان است و مکاتب و ادیان الهی و مکاتب غیرالهی راه های متفاوتی را برای استقرار آن ارائه نموده اند. اساسی ترین و مهم ترین آرزوی انسان تحقق عدالت است. طرح مسأله عدل و عدالت اجتماعی از نظر عملی و عینی در سطح اجتماع تاریخی چه بی بس دراز دارد. عدالت گذشته از آنکه در خود قرآن مکرر ذکر شده در تاریخ و در میان مسلمین فصلی طولانی دارد. اصولاً نوع بشر دارای یک کرامت و عزت خاصی است که پذیرای خواری و ذلت نیست قرآن مجید در این خصوص می فرماید: «همانا فرزندان آدم را کرامت دادیم و در خشکی و دریا حملشان کردیم و از چیزهای

پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان دادیم»<sup>۱</sup>. عدالت از موقعیتی برخوردار است که بشر از دیر زمان به ضرورت و اهمیت آن پی برده و آن را مایه خوشبختی، نیک زیستی و آرامش خود دانسته و آنچه که درباره این اصل مهم است چگونگی تحقق و اجرا پذیری آن است و صرف اعتقاد و ادعا تأثیر عدالت را در جامعه ظاهر نخواهد کرد. عدالت جنبه های مختلفی دارد چون: عدالت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، قضائی و غیره.

خدا به شما امر می کند که امانت را البته به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شدید داوری به عدل کنید همانا خدا شما را پند نیکو می دهد خدا به هر چیز آگاه و بصیر است.<sup>۲</sup> در زمینه عدالت اقتصادی در یک جا می فرماید اموال دیگران را به باطل و ناروا نخورید.<sup>۳</sup> و در جایی دیگر می فرماید: اموالی که خدا قوام زندگی را به آن مقرر داشته سفیهان را در آن تصرف ندهید.<sup>۴</sup>

### ۲- عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام

عدالت یکی از مفاهیمی ست که در مکتب اسلام حیات واقعی و جایگاه ارزشمند خود را از سر گرفته است و فوق همه ارزش ها معرفی شده است و حاکمیت و اقتدار حکومت را در راستای اجرای این موضوع معرفی کرده است

در قرآن کریم تمام این جنبه ها مورد توجه قرار گرفته است مثلاً در زمینه عدالت سیاسی آمده است که هیچ فردی نباید به کسی ستم کند بلکه نباید به کسانی که مرتکب ستم می شوند تکیه کرد. در زمینه ی عدالت قضائی توصیه به عدالت و قضاوت را از ستم کردن بر حذر می دارد و می فرماید:

در اینجا اهمیت این موضوع را از زبان مولا علی (ع) بیان می‌کنیم:

فردی از امام سؤال کردند: العدل افضل ام الجود: آیا عدل بافضیلت‌تر است یا جود؟

امام در جواب فرمودند:

العدل یضع الامور مواضعها والجود ینخرجها من جهتها:

یعنی: «عدل امور را در جایگاه واقعی خودش قرار می‌دهد اما جود و بخشش آن را از جایگاه خودش خارج می‌کند» زیرا در مفهوم عدل استحقاق‌های طبیعی و اصیل مد نظر است و به هر کسی مطابق آن چه به حسب کار و توان و تلاش اوست داده می‌شود. اما جود درست است که برای صاحب آن خوب است در عین حال یک جریان واقعی و سازنده برای عموم نیست و پویایی اجتماعی ایجاد نمی‌کند لذا می‌فرمایند:

العدل سائس عام والجود عارض خاص

یعنی: عدالت قانون عمومی و مبارک برای همه افراد جامعه است.

اما جود و بخشش یک حالت استثنائی است که توقع آن نیست که جامعه با آن اداره شود و حقوق احاد با آن تأمین گردد و به همین دلیل است که در ادامه می‌فرمایند:

«فالعدل اشرفها و افضلها» یعنی: پس عدل با فضیلت‌تر و شرافتمندانه‌تر است.<sup>۵</sup>

آن چه که در سیره حکومتی و عملی امام‌المتقین (ع) برای ما ثابت است این است که از دیدگاه ایشان

عدالت روح جامعه و حافظ حقوق فرد و جامعه است که به جامعه آرامش، پویایی و تعالی می‌بخشد اما ظلم و جور نه تنها تأثیر مثبتی برای جامعه ندارد بلکه قادر نیست حتی روح آن کسی که به نفع او ستم و ظلم می‌شود را حفظ کند و فرد جائر اولین قربانی ظلم و ستم خواهد بود.

امام (ع) وقتی به خلافت می‌رسند در خصوص حقوق مردم که توسط عمال عثمان ضایع شده بود می‌فرمایند: «الحق القديم لا یبطله شی» یعنی: حق (هر چه زمان از او بگذرد) هرگز نباید چیزی از آن ضایع گردد.<sup>۶</sup>

و نیز می‌فرمایند: «فإن فی العدل سعۃ و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق»

یعنی: در اجرای عدالت برای افراد جامعه گشایشی هست که اگر کسی تحمل آن را نداشته باشد باید بداند که جور و ظلم برای او تنگ‌تر و ضیق‌تر است.<sup>۷</sup>

### ۱۳- مسئولیت جامعه

#### در اجرای عدالت

از نظر اسلام هیچ انسان متعهد و مسئولیت‌پذیری نمی‌تواند تماشاچی ظلم و بی‌عدالتی باشد بلکه مبارزه با آن یک تکلیف الهی و ناموس دینی و اجتماعی است و هرگز نباید فدای مصلحت گردد. تبعیض و باندبازی و غیره نباید هرگز در جامعه دینی وجود داشته باشد. وقتی که موضوع ایالت شام و همراه نمودن معاویه با حکومت از طرف بعضی مطرح و پیشنهاد می‌گردد

امام علی (ع) می‌فرمایند: «أنا مروتی أن أطلب النصر بالجور فیمن ولیت علیه و الله ما أطور به ما سمر سمیر و ما ام نجم فی السما نجماً لو كان المال لی لسویت بینهم کیف و إنما المال مال الله»

یعنی: شما از من می‌خواهید که پیروزی را به قیمت تبعیض و ستمگری به دست آورم و عدالت را در پای مصلحت قربانی کنم؟ نه سوگند به خدا تا دنیا دنیا است چنین کاری نخواهم کرد آیا من و تبعیض؟ آیا من و پایمال کردن عدالت؟ اگر همه‌ی این اموال مربوط به خودم بود و می‌خواستم تقسیم کنم هرگز تبعیض را روا نمی‌داشتیم تا چه رسد که مال، مال خداست و من هم امانتدار.<sup>۸</sup>

قرآن می‌فرماید: «قل لن یصینا الا ما کتب الله لنا هو مولانا»

بگو جز آن چه که خدا برایمان مقرر کرده نخواهد رسید اوست مولای ما.<sup>۹</sup> در مکتب اسلام نه ترس هست و نه

ترسندگی و زندگی و مرگ و سود و زیان همه به دست خداست. در جایی دیگر

می‌فرماید: «لکل امه اجل اذا جا اجلهم فلا یستأخرون ساعة و لا یستقدمون»

هر امتی را مدتی است چون مدتشان به سر رسد نه ساعتی پس آیند و نه جلو روند.<sup>۱۰</sup>

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«و ما کان لنفس أن تموت الا باذن الله کتاباً موجلاً»

یعنی: هیچ کس جز به اذن خدا نخواهد مرد که این سرنوشتی زماندار است.<sup>۱۱</sup>

بنابراین در مکتب متعالی اسلام هیچ فردی از رعیت در مقابل مصالح همگانی معاف نبوده بلکه به طوری باید آن را رعایت کند که گویا نگهبان و وکیل آن است لذا هر کسی در اجتماع هم رعیت است هم نگهبان. همان طوری که می‌فرماید:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلِكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَةٍ»<sup>۱۱</sup>

یعنی: تعاون بین افراد به خاطر مصلحت اجتماع در حد خوبی و نیکی واجب است. همان طوری که در سوره مائده می‌فرماید:

«بر نیکی و پرهیزکاری کمک کنید و بر گناه و تجاوز کمک نکنید»<sup>۱۲</sup>.

#### ۴- مسئولیت حکومت در تأمین عدالت اجتماعی

هر گونه گفتار درباره ی عدالت اجتماعی در اسلام وابستگی تمام به گفتار درباره ی رژیم حکومتی در اسلام دارد، زیرا عدالت اجتماعی شامل همه ی مظاهر زندگی و تمام ارزش های مادی و معنوی است. پیامبران خدا اولین افرادی بودند که به حکومت قانون الهی مانند دیگر افراد بشر گردن می‌نهادند. پیامبر اسلام (ص) از قانون الهی اطاعات کرد.<sup>۱۳</sup>

در اسلام پیکار و جنگ برای رفع ستم از مسلمانان است (و حتی غیرمسلمانان) تا دینشان به فتنه و گمراهی نیفتد و همچنین برای از بین بردن مشکلات مادی همان طوری که

می‌فرماید:

«أَذُنٌ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»  
 رخصت جنگ به (مؤمنان) که با (دیگران) کارزار می‌کنند داده شده زیرا آنها از دشمن ستم کشیده اند و خدا بر یاری آنها قادر است.<sup>۱۵</sup>  
 پیامبر اسلام فرستاده خدا برای همه ی مردم بود همانطوری که می‌فرماید:

#### ۵- پایه و اساس حکومت

حکومت در اسلام بر پایه ی عدالت فرمانروایان و فرمانبرداری افراد و مشورت بین آنها بیان گردیده است. یعنی سه رکن دارد: حاکمیت، شوری، تبعیت.  
 الف: در خصوص عدالت فرمانروایان می‌فرماید:  
 «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ»

یعنی: خدا امر به عدالت می‌کند.<sup>۱۷</sup>  
 و نیز می‌فرماید:  
 «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»  
 یعنی: چون بین مردم به حکومت

«وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِن أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْمَلُونَ»  
 و ما تو را برای مردم به عنوان بشارت دهنده و ترساننده فرستادیم اما اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند.<sup>۱۶</sup>

برخواستید به عدل حکومت کنید.<sup>۱۸</sup>  
 در سخن گفتن هم جانب عدالت را بنگه دارید.  
 و اذا قلم فاعدلوا و لو كان ذاقربی»  
 یعنی: هنگام سخن گفتن عدالت را منظور کنید اگر چه خوبشاوند باشید.<sup>۱۹</sup>  
 در منطق اسلام محبوبترین مردم نزد خداوند در روز قیامت و از همه نزدیکتر به خدا در مقام و مرتبه پیشوای عادل است و از همه مردم بدتر نزد خداوند در روز قیامت و شدیدترین آنها در عذاب پیشوای ظالم است.  
 سید قطب در این باره می گوید:  
 «این عدل مطلق است که ترازوی آن با حب و بغض کج نمی شود هیچ دوستی و دشمنی قوائد آن را تغییر نمی دهد و تحت تأثیر خوبشاوندی افراد و دشمنی آنها قرار نمی گیرد و افراد ملت های اسلامی همگی از آن بهره می برند و هیچ حساب و سب و مال و مقامی باعث جدایی بین آنان نمی شود چنانکه ملت های دیگر از آن بهره می برند گرچه بین آنان و مسلمانان دشمنی باشد و عدالت روشنی است که هیچ قانون داخلی و بین المللی تا کنون به پای آن نرسیده است کسانی که در این گفته شکی دارند لازم است سری به عدالت ملت های توانگر و ناتوان و عدالت جنگجویان میدان های جنگی بزنند.<sup>۲۰</sup>  
 ب: عدالت در فرمانبرداری جامعه: قرآن مجید مؤمنان را امر می کند که از اولیا و صاحبان امر اطاعت کنند.

«یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»  
 یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسولش و صاحبان امر اطاعت کنید.<sup>۲۱</sup>  
 روشن است که اطاعت کردن منوط به اقامه احکام کتاب خداست، بنابراین اطاعت از حاکم یک اطاعت همه جانبه و بی قید و محاسبه نیست و فرمانبرداری همیشگی گرچه شرع خدا و رسول را کنار گذارد معنا ندارد بلکه از آن جهت است که حاکم اسلامی فقط به حکم خدا و رسولش فتوا دهد و خود اولین عامل به آن باشد. و نیز همه در برابر قانون یکسان باشند.

ج: شوری یا حضور مردم در سرنوشت خودشان:  
 خداوند متعال در سوره شوری می فرماید: که پیامبر (ص) در امور سیاسی و اجتماعی با مردم مشورت کنند و آنها را در سرنوشت خودشان شرکت دهند.

«و شاور هم فی الامر»  
 یعنی: ای رسول با مردم مشورت کن.<sup>۲۲</sup>  
 بنابراین مشورت اصلی از اصول حاکمیت است اما راه مشاوره و چگونگی آن مطابق مقتضیات زمان است پیامبر اسلام با مسلمانان مشورت می کرد همانطوریکه در جنگ بدر و حفر خندق و نیز درباره اسرا گفته آنان را می شنید و احياناً به آن دستور می داد.  
 کما اینکه این راه و روش در زمان خلفای بعد از پیامبر (ص) هم ادامه داشت.

**۶- اصل مردم سالاری و نفی دیکتاتوری به منظور اجرای عدالت**

در اسلام هیچ فرد و گروهی را اختیار خاصی برای حکومت در جامعه نیست مگر به منظور اجرای عدالت و تأمین حقوق فطری و اجتماعی مردم به همین منظور اصولی برای حکومت و نفی دیکتاتوری در اسلام مطرح است از جمله:

الف: حکم ذاتاً متعلق به خداست و خدا حاکم اصلی است و ادامه حاکمیت نیز حق اوست بدین معنا که او خلق کرده و ادامه ی حیات هم حق اوست و حکومت هم پاسدار حقوق فطری بندگان خلست.

ب: هر حزب و رژیمی که خود را در هیچ گونه چارچوب قانونی قرار ندهد و حق وضع و تشریح قانون را خاص خود بداند خودکامه است و با روح اسلام سازگاری ندارد.

ج: در اسلام نصوصی وجود دارد که جمهوریت را تأیید می کند (یدالله مع الجماعة).<sup>۲۳</sup>

د: در اسلام نصوصی وجود دارد که عقل جمعی و آراء عمومی را مصون از خطای فاحش می داند (لا تجتمع امتی علی الخطا).<sup>۲۴</sup>

ه: نصوصی وجود دارد که دلالت بر حکومت مشورتی می کند (و امرهم شوری بینهم).<sup>۲۵</sup>

اجرای دقیق این اصول زمینه دیکتاتوری را از بین می برد.

## ۷- مریت و همدان یا آزادی درونی و عدالت

اسلام برای اجرای اصل اصیل عدالت حریت روحی را ضامن محکم و پایداری معرفی کرده است آنچنانکه نه معنویت محض و نه اقتصادیات خالص پی ریزی شده بلکه بر هر دو پایه استوار است و در واقع هم واقعیت های زندگی را شناخته و هم مقدار تحمل و نیروی انسان را منظور داشته و مقصد نهایی که روح بشر است را در نظر گرفته است و همه نیروهای او را به جنبش واداشته است و شخص را بسوی آزادی کامل روحی سوق داده است آزادی که انسان بدون آن بر عوامل ضعف و خضوع و ستایش غلبه نمی کند و بهره ی خود را از عدالت اجتماعی بدست نمی آورد و این آزادی همان آزادی است که یکی از پایه های محکم عدالت اجتماعی در اسلام و بلکه نخستین رکن و پایه است که ارکان دیگر بر آن استوار است.<sup>۲۶</sup>

سید قطب در این خصوص چنین می گوید:

«عدالت اجتماعی کامل مادامی که مستند به یک تشخیص باطنی درباره ی استحقاق فرد و احتیاج اجتماع نبوده و با این اعتقاد که این منجر به یک هدف عالی انسانیت شود همراه نباشد و همچنین در صورتی که مستند به یک واقعیت مادی نگردد که فرد را برای عمل و دفاع از آن کمک نماید هرگز تحقق نیافته و ضمانتی برای اجرا و دوام آن نیست.<sup>۲۷</sup>»

## ۸- دیدگاه‌ها

نخبگان فکری و فرهنگی جهان اسلام در دوره جدید چون، استاد مطهری و دکتر شریعتی و سید قطب، واکنش‌های متفاوتی به تعبیرهای نوین عدالت نشان داده اند. البته در آرای این سه اندیشمند مسلمان، عدالت مفهوم کم و بیش مشابهی دارد. مهم‌ترین تشابه در این سه اندیشه نسبت به تبیین مفهوم عدالت تأکید ایشان بر توزیع عادلانه امکانات و ثروت در جامعه یعنی (عدالت توزیعی) است علاوه بر این در ابعادی مانند برابری در آزادی در مقابل قانون و برابری نژادی نیز مشابه اند.

در حالی که دکتر شریعتی با رهیافتی علمی و جامعه شناسانه و سید قطب با رهیافتی متشرعانه و استاد مطهری با تکیه بر مفهوم حقوق فطری و طبیعی به تعریف عدالت پرداخته اند. دکتر شریعتی عدالت را «برابری طبقاتی» و سید قطب آن را «برابری عام انسانی» و استاد مطهری آن را «رعایت استحقاق‌ها» تعریف می کنند.<sup>۲۸</sup>

### ۸-۱- عدالت از دیدگاه شریعتی

عدالت و مضمون آن در دیدگاه شریعتی مفهوم حاشیه ای و محدود نیست بلکه یکی از مباحث محوری اندیشه ی ایشان است و در این خصوص می گوید: «عدالت به معنای برابری طبقاتی، نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه، نفی تضاد و تبعیض اقتصادی، حقوقی اجتماعی و نیاز بزرگ کشورهای اسلامی است.

و در جایی دیگر می گوید: «عدل

عبارت است از شکل قانونی روابط اجتماعی و گروه‌های اجتماعی بر اساس حقوق شناخته شده فردی و گروهی و قسط (سهام) عبارت است از سهم واقعی هر کس یا گروهی از مجموعه که در جامعه بر عهده دارد.<sup>۲۹</sup>»

### ۸-۲- عدالت از دیدگاه سید قطب

ایشان در این باره می گویند: «عدالت قبل از هر چیز یک عدالت انسانی عام است نه یک عدالت اقتصادی محدود پس در این صورت که ادراکات و روش و وجدانیات و خواص درونی را نیز در بر گرفته است. ارزشهایی که مشمول این عدالت است ارزش های اقتصادی فقط، یا به طور کلی ارزش های مادی تنها نیست، بلکه ترکیبی از ارزش های مادی و روحی و مادی است.<sup>۳۰</sup>»

### ۸-۳- عدالت از دیدگاه استاد مطهری

استاد مطهری عدالت را این‌گونه تعریف می کند: «عدالت را این‌گونه می دانند که مردم در محصول و کار هم دیگر شریک باشند و هر چه در جامعه باشد مثل اعضای یک خانواده در همان خانه خرج شود و می فرمایند: «معنای عدالت این نیست که افراد هیچ تفاوتی نداشته باشند هیچ کس نسبت به دیگری رتبه و درجه و امتیازی نداشته باشد، اگر مثلاً سربازی رشادت و شهادت فوق العاده ای در جنگ از خود بروز دهد، مدال افتخار را به جامعه بدهند و نه به او؟ و این است که امتیازی که نصیب

افراد می‌شود بر مبنای صلاحیت و استحقاق و برنده شدن در مسابقه عمل و صلاح در زندگی باشد.<sup>۳۱</sup>

## ۹- جمع بندی مقایسه ای این سه نظریه

دکتر شریعتی برابری نژادی و عدم تفوق و برتری نژادی را با الهام گرفتن از قرآن مجید بسیار مد نظر دارد و سید قطب عدالت را یک مفهوم درون دینی می‌داند که برای تشخیص درست مفهوم عدالت از درون دین باید موضوع را جستجو کرد و شهید مطهری عدالت را یک مفهوم مستقل عقلی می‌داند که خود دین را هم باید با عدالت شناخت. نه عدالت را با دین؟ یعنی دین باید عادلانه باشد نه اینکه عدل دینی باشد. در عین حال هر سه اندیشمند عدالت را رکن اصلی جامعه ی دینی و مهمترین ابزار تحقق آن می‌دانند.

## ۱۰- نتیجه گیری

عدالت یکی از مفاهیم و از مستقلات عقلی است که از آغاز خلقت آدمی در فکر و اندیشه آن بوده است و ادیان و حیانی و مکاتب غیر و حیانی برای اجرای آن دستورات مؤکدی داده اند در این میان اسلام درباره جهان و زندگی انسان طرز فکری اساسی دارد که مسئله‌ی عدالت اجتماعی تحت تأثیر آن طرز فکر اساسی بوده و در چارچوب وسیع آن قرار می‌گیرد و باز دیدیم که طرز فکر اسلام درباره‌ی حیات انسانی باعث می‌شود که عدالت اجتماعی به صورت یک عدالت

انسانی در می‌آید و فقط به مادیات و اقتصاد بسنده نکرده بلکه به تمام شئون زندگی بشر نظر دارد.

و در مجموع مباحث مطرح شده باز دیدیم که عدل یک موضوع حاشیه‌یی و عرضی نیست که بدون آن فرد و جامعه سعادت‌مند گردد بلکه بدون آن تار و پود زندگی فردی و اجتماعی گسسته خواهد شد و تحقق عدالت براساس نسخه واحد اسلام به طور همه جانبه ممکن است آنچنان نسخه ای که اگر از لسان و عمل مولای متقیان علی (ع) شنیده و دیده نمی‌شد کسی قادر به چنین معرفی عمیق و حکیمانه و دلپذیری از عدل نبود. و در اندیشه دین مبین اسلام عدالت مسئولیتی است فراگیر و به عنوان ناموس الهی تکلیف همه‌ی آحاد بشر است مخصوصاً فرد مسلمان نمی‌تواند نسبت به اجرای عدالت حساس نباشد. عدالت‌خواهی فوق عادل بودن است همانطور که آزادی‌خواهی مهم‌تر از آزاده بودن است عدالت‌خواه به کسی می‌گویند که افکار سیاسی، اجتماعی او را تحقق و اجرای عدالت تشکیل دهد. چنین عدالتی که اسلام معرفی می‌کند به منزله پایه‌های ساختمان است تا این پایه و اساس وجود نداشته باشد جایی برای رنگ آمیزی و سایر تزئینات نیست و اگر خانه ای از پای بست ویران باشد چه فایده که خواجه در بند نقش ایوان. بنابراین تمام مقررات و ضوابط اجتماعی باید بر اساس حقوق فطری انسان‌ها وضع شود و هیچ فردی از جامعه حق عبور از آن را نخواهد داشت و الا دین هم هیچ مفهوم و خاصیتی نخواهد داشت چون روح و جوهر دیانت

که تمام ذاتیات دین باشد در عدل تجلی دارد. این است که علمای حکمت تمام فضائل اخلاقی را نشأت گرفته از عدالت می‌دانند، و آن را امّ الفضائل نامیده‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- سوره اسراء آیه ۷۰
- ۲- سوره نساء آیه ۵۸
- ۳- سوره نساء آیه ۲۹
- ۴- سوره نساء آیه ۵
- ۵- نهج البلاغه حکمت ۴۳۷
- ۶- نهج البلاغه خطبه ۱۵
- ۷- نهج البلاغه خطبه ۱۲۶
- ۸- سوره توبه آیه ۵۱
- ۹- سوره یونس آیه ۴۹
- ۱۰- سوره آل عمران آیه ۱۴۵
- ۱۱- صحیح بخاری ج ۷ - کتاب النکاح
- ۱۲- سوره مائده آیه ۲
- ۱۳- عزتی، ابوالفضل. سیاست در اسلام. انتشارات هدی. تهران ۱۳۶۱ ص ۲۴۱
- ۱۴- سوره حج آیه ۳۹
- ۱۵- سوره سبا آیه ۲۸
- ۱۶- سوره نحل آیه ۹۰
- ۱۷- سوره نساء آیه ۲۸
- ۱۸- سوره انعام آیه ۱۵۲
- ۱۹- قطب. سید. عدالت اجتماعی در اسلام. انتشارات کلبه شرق. تهران ۱۳۷۹ ص ۱۶۲
- ۲۰- سوره نساء آیه ۵۹
- ۲۱- سوره شوری آیه ۳۸
- ۲۲- قدرت خدا با جماعت است
- ۲۳- امت من در عمل به خطا اجماع نخواهند کرد.
- ۲۴- سوره شوری آیه ۳۸
- ۲۵- قطب. سید. همان مصدر ص ۸۶
- ۲۷- مصدر فوق ص ۶۳
- ۲۸- مرامی، علیرضا. بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت از دیدگاه مطهری، شریعتی و سید قطب. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران ۱۳۷۸ ص ۹
- ۲۹- همان مصدر ص ۳۶
- ۳۰- قطب. سید. مصدر قبلی ص ۸۲
- ۳۱- مرامی، علیرضا. مصدر قبلی ص ۱۷۱